

الگوی پیشنهادی نظام مند برای سیاست گذاری در آموزش و پرورش

احمد اکبری^۱، سیما نوید بخش^۲ و منصوره بختیاری فایندری^۳

۱ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسکن، بردسکن، ایران

۲ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، نیشابور، ایران

۳ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، نیشابور، ایران

چکیده

امروزه دیگر هویت انسان‌ها تحت تأثیر یک جامعه و یا یک ساختار اجتماعی ثابت قرار ندارد، بلکه از یک هویت اجتماعی در عرصه بین‌المللی نیز متأثر می‌شود. بهره‌گیری درست و به دور از هر گونه افراط و تفریط و یا تعصب کورکورانه از سیاستگذاری می‌تواند موجب تحقق رسالت اصلی آموزش و پرورش گردد، که همانا تربیت و رشد تک‌تک انسان‌ها به منظور کمال آنهاست. در عصر فرا پیچیده همگام با افزایش رقابت، پیچیدگی و جهانی شدن پویایی، ظهور سیاستگذاری‌های جدید نظام آموزشی پاسخی است به طیف وسیعی از نیازهای متنوع آموزشی و پژوهشی جوامع بشری. بی‌شک یک نظام آموزشی مبتنی بر ساختار، علل شکل‌گیری و کارکردهای خود جهت توسعه و دستیابی به رسالت‌های تعیین شده مسیر مشخصی را مطابق راهبردها و برنامه‌هایش که ریشه در سیاستگذاری‌های آن دارد ترسیم نموده است. لذا چگونگی طی این مسیرهای مشخص می‌تواند نقشه راهی برای نهادهای علمی و پژوهش کشور باشد. پژوهش حاضر با مروری بر رویکرد سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش، جمع‌بندی نقاط ضعف و قوت آن و همچنین در نظر گرفتن ملاحظات بومی کشور که نشأت گرفته از ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است، چارچوب مفهومی نظام مندی برای برای سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش ارائه داده است.

واژه‌های کلیدی: سیاست، سیاستگذاری، نظام آموزشی، تغییرات جهانی، هزاره سوم